

درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمغیدی

موضوع کلی: مقصد اول - اوامر

تاریخ: ۱۶ اسفند ماه ۱۳۹۳

موضوع جزئی: جهت سوم: معنای امر؛ طلب وجوبی یا اعم از وجوبی و استحبابی

مصادف با: ۱۶ جمادی الاولی ۱۴۳۶

سال: ششم

جلسه: ۸۳

«الحمد لله رب العالمین وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در ادله کسانی است که قائل به ظهور ماده امر در طلب وجوبی هستند.

عرض کردیم برخی از کسانی که معتقدند امر ظهور در طلب وجوبی دارد، آن را مستند به وضع می دانند لذا به دلیل تبادل تمسک کرده اند و بعضی از کسانی که قائلند امر به معنای طلب وجوبی است، آنرا مستند به اطلاق می دانند. گروهی نیز آن را مستند به حکم عقل می دانند.

تفاوت نظر محقق عراقی و محقق بروجردی

از جمله کسانی که معتقد است امر به معنای طلب وجوبی است و ظهور امر در طلب وجوبی را مستند به اطلاق می داند، مرحوم آقای بروجردی است. البته محقق عراقی هم همانگونه که گذشت همین عقیده را دارد یعنی ایشان هم معتقد است امر ظهور در طلب وجوبی دارد و مستند به اطلاق است و مستند به وضع نیست اما تفاوتی بین نظر محقق عراقی و محقق بروجردی وجود دارد.

همانطور که ملاحظه فرمودید محقق عراقی با استناد به اطلاق و مقدمات حکمت ادعا کرد امر ظهور در طلب وجوبی دارد و مرحوم بروجردی هم به استناد اطلاق مدعی شد امر به معنای طلب وجوبی است اما بین این دو مبنا فرق است زیرا مرحوم بروجردی به تبع آخوند مدلول ماده یا صیغه امر را طلب انشائی می داند به این معنی که با امر یک طلبی در عالم اعتبار ایجاد می شود اما به نظر محقق عراقی مدلول ماده امر طلب انشائی نیست بلکه طلب مبرز یا اراده مبرز است و بین طلب انشائی و طلب مبرز یا اراده مبرز فرق است البته بین نظر محقق عراقی و نظر محقق خوئی هم فرق وجود دارد که در جای خود باید به تفصیل مورد بررسی قرار گیرد اما اجمالا مرحوم آقای خوئی می فرماید امر مادتا یا هیئتاً به معنای اعتبار نفسانی است لکن ماده و صیغه مبرز این اعتبار هستند یعنی حقیقت انشاء همان اعتبار نفسانی است ولی ماده یا صیغه امر، آن اعتبار را ابراز می کند ولی محقق عراقی می فرماید اراده ابراز می شود.

به هر حال اجمالا تفاوت نظر محقق عراقی و بروجردی در این است که محقق عراقی مدلول امر را عبارت از طلب و اراده مبرزه می داند اما محقق بروجردی مانند آخوند، مدلول امر را طلب انشائی می داند و این در استفاده از اطلاق اثر می گذارد.

بررسی دلیل پنجم (محقق بروجردی)

آقای بروجردی فرمود: مدلول ماده امر، طلب انشائی است و طلب انشائی چون یک امر اعتباری است تشکیک بالذات در آن راهی ندارد بلکه تشکیک بالعرض در آن راه دارد یعنی در خود طلب انشائی به عنوان امر اعتباری شدت و ضعف نیست زیرا طلب انشائی یا بسیط است و موجود است یا موجود نیست چون یا انشاء طلب شده و طلب در عالم اعتبار موجود شده یا اصلاً طلب در عالم اعتبار محقق نشده پس طلب انشائی ذاتاً تشکیک پذیر نیست اما بالعرض تشکیک پذیر است یعنی به اعتبار مقارنات خود می تواند شدید و ضعیف داشته باشد لذا آقای بروجردی فرمود: ممکن است این طلب با مقارنات شدید همراه باشد یعنی مثلاً با پای کوفتن بر زمین همراه باشد یا همراه با حرکات دست یا غلظت صدا باشد که اگر اینگونه بود از آن وجوب انتزاع می شود. و اگر مقارنات طلب انشائی ضعیف بود و به نرمی و آرامی بیان شد، از آن استحباب انتزاع می شود البته ایشان در مورد طلب بدون این مقارنات هم ادعا کرد که از آن وجوب انتزاع می شود یعنی طلب خالی از چنین مقارناتی، ظهور در معنای وجوبی دارد. این عصاره و خلاصه سخن مرحوم بروجردی است.

حال آیا این سخن صحیح است یا خیر؟

اولاً: اینکه ایشان فرمود امر دال بر طلب انشائی است در جای خود باید بحث شود که آیا واقعا حقیقت انشاء و طلب انشائی چیست؟ آیا اصلاً وجوبی به عنوان وجوب انشائی داریم؟! به حسب ظاهر کلام محقق خراسانی، ما غیر از وجودات اربعه، یک وجود پنجمی به نام وجود انشائی داریم ولی این محل بحث است که اصلاً ما می توانیم ملتزم به وجود انشائی شویم یا خیر؟! حال اگر کسی وجود انشائی را نپذیرفت، دیگر نمی توانیم بگوئیم که ما طلبی داریم به نام طلب انشائی؛ درست است ما یک وجود اعتباری در مقابل وجود حقیقی داریم اما اینکه وجودی به عنوان وجود انشائی در برابر وجودات اربعه قائل باشیم محل بحث و تأمل است.

ثانیاً: محقق بروجردی فرمود: تشکیک ذاتی در طلب راهی ندارد ولی به اعتبار مقارناتش می تواند داری شدت و ضعف باشد یعنی به نحو طلب شدید یا طلب متوسط یا طلب ضعیف باشد اما این به اعتبار مقارناتش است لذا ایشان تشکیک عرضی در مورد امر و طلب را پذیرفت اما تشکیک ذاتی را نفی کرد. ولی این محل اشکال است زیرا در امور اعتباری هم می توان شدت و ضعف را تصویر کرد به این جهت که در امر اعتباری همه چیز به ید معتبر است. یعنی همانطور که اصل وجود اعتباری و عدم آن به ید معتبر است، نحوه تحقق و وجود آن در عالم اعتبار هم به ید معتبر است البته اینکه ما اعتبار را چه بدانیم و ویژگی ها و مختصات امر اعتباری را چگونه تفسیر کنیم، مسئله دیگری است ولی اجمال مسئله در اینجا این است که چیزی که با اعتبار معتبر تحقق پیدا می کند، نحوه تحقق آن در عالم اعتبار هم در اختیار معتبر است و فرقی هم ندارد که معتبر چه کسی است، لذا معتبر می تواند این وجود اعتباری را ذو مراتب اعتبار کند یعنی به گونه ای اعتبار کند که شدید و متوسط و ضعیف داشته باشد پس اصل این سخن که در امور اعتباری، تشکیک راهی ندارد و اگر هم باشد بالعرض است، این محل اشکال است زیرا می توان تشکیک ذاتی را در یک وجود اعتباری تصویر کرد هیچ تالی فاسدی هم ندارد.

ثالثاً: ایشان ابتدا فرمود: طلب اگر با مقارنات شدید همراه باشد، از آن وجوب انتزاع می شود و اگر با مقارنات ضعیفه همراه باشد، از آن استحباب انتزاع می شود. این جمله با مطلب بعدی ایشان که فرمود طلب خالی از مقارنات هم منشاء انتزاع وجوب است، ناسازگار است زیرا اگر نفس طلب، منشاء انتزاع وجوب باشد ولو اینکه مقارن شدیدی هم همراه آن نباشد، آنگاه چگونه ممکن است همراه با مقارنات شدید هم دال بر طلب وجوبی باشد؟! درست است که ایشان طلب را عند الاطلاق دال بر وجوب دانستند و وجه اطلاق هم به نظر ایشان این بود که عقلاء زمانی که ببینند مولایی از بنده خود طلب کرده و هیچ مقارنی هم ندارد، اگر عبد با طلب مولا مخالفت کند او را توییح و مستحق مذمت و عقاب می دانند و همین دلالت می کند که طلب به نحو مطلق دال بر وجوب است. لکن مشخص نیست که آیا مرحوم بروجردی از سخن اول خود عدول کرده چون در ابتدا فرمود طلب با مقارنات شدید دال بر وجوب است ولی در ادامه فرمود طلب به نحو مطلق دال بر وجوب است؟ یا آن که عدول نیست.

به هر حال وجه قابل قبولی که بتوان در اینجا برای این ناسازگاری بیان کرد به نظر نمی رسد.

رابعاً: مسئله دیگر این است که ایشان فرمود طلب انشائی بر دو قسم وجوب و استحباب نیست بلکه ما وجوب و استحباب را از طلب انشائی انتزاع می کنیم.

این نیز محل بحث است. چرا خود طلب نتواند بر دو قسم اگر طلب به نحوی بود که امکان مخالفت با آن نبود، این وجوب است و قسم من الطلب، و اگر به گونه ای بود که امکان مخالفت بود، این قسم آخر من الطلب، بالاخره ما این طلب را با ملاحظه مقدماتی که دارد یعنی مبادی، علل و لوازم و آثار، باید بررسی کنیم. گاهی مبادی، علل و لوازم یک طلبی، طلب وجوبی است و گاهی نیز مبادی طلب به گونه ای است که این طلب استحبابی است. اینکه بگوئیم طلب انشائی نه وجوبی است و نه استحبابی، به نظر می رسد که خلاف تحقیق باشد که وجوب و استحباب را از طلب و آن هم با ملاحظه مقارناتش انتزاع کنیم.

در مجموع به نظر می رسد دلیلی که محقق بروجردی برای ظهور امر در وجوب ذکر کرده، نا تمام است.

«الحمد لله رب العالمین»